



اجرای سراج به یاد خواننده افغان

حسام‌الدین سراج خواننده شناخته شده موسیقی ایرانی با همراهی گروه «سور» به سرپرستی مجید مولانیا تازه‌ترین کنسرت خود را به یاد خواننده شهیر کشور افغانستان برگزار می‌کند.

به گزارش مهر، حسام‌الدین سراج خواننده شناخته شده موسیقی ایرانی با



عکس: چاووش همانندی / جام جم

گفت‌وگو با محمد معتمدی درباره آلبوم موسیقی «حالا که می‌روی» و تور کنسرت این آلبوم

در شرایط تحریمی کار می‌کنم!

عصر جمعه است، جمعه پاییزی، اصلا دقیق تر بگویم، همین جمعه هفته پیش. هر چند خسته سفر بود و آمده بود تهران تا راهی سفر دیگری شود، اما دو تمان را پذیرفت و گرم و صمیمانه چند ساعتی از زمان استراحتش را با ما شریک شد تا از «حالا که می‌روی» آلبوم موفق‌کی که خوانندگی‌اش را برعهده داشته حرف بزنیم. محمد معتمدی یکی از معدود خواننده‌های جوان موسیقی ایرانی است که آهسته و پیوسته مسیر را پیش رفته. اگر هم خشم و خروش و انتقادی داشته صادقانه به زبان آورده و وارد معاملات و آمد و شده‌های متداول این روزهای موسیقی نشده است. هر چند آمده بود تا از آلبوم حرف


 زینب مرتضایی فرد
فرهنگ و هنر

🎤 آلبوم موسیقی «حالا که می‌روی» تقریباً يك سال پیش منتشر شد و بازخوردهای خوبی هم داشت و حالا هم در آستانه برگزاری تور کنسرت آن هستیم، شما و سایر اعضای تیم این حجم از اقبال مخاطبان را پیش‌بینی می‌کردید یا برایتان غافلگیرکننده بود؟

ما از ابتدا برای این آلبوم برنامه‌ریزی کرده بودیم و کاملاً هدفمند پیش رفتیم. من، آقای سعادت‌مند و آقای سیراز از ابتدا آلبوم را به قصد تولید کاری با توفیق اجتماعی آغاز کردیم و می‌توانم بگویم آقای سعادت‌مند برای آلبوم بسیار انرژی گذاشتند، نتیجه کار هم این است که آلبوم «حالا که می‌روی» دربردارنده بهترین ملودی‌هایی است که آقای سعادت‌مند می‌توانست در يك مجموعه کنار هم جمع کرده و ارائه کند.

🎤 آلبوم نه پیچیده است و نه می‌خواهد ادای نوآوری درآورد، اما همین که آن را می‌شنویم در خود تاریکی و نو بودنی موسیقی اصیل ایرانی را قشیرهای مختلف را به خود جلب کند. آلبومی به ظاهر ساده که قطعا خلق آن کار ساده‌ای نیست، این مسیر چگونه طی شده است؟

ما برنامه‌مان تولید آلبومی بود مبتنی بر ردیف‌های موسیقی اصیل ایرانی، اما با رعایت این نکته که از يك طرف باید به لحاظ ملودی مبتنی بر نغمه‌ها و مایه‌های موسیقی اصیل ایرانی باشد و از طرف دیگر به لحاظ ارکستراسیون رنگ جدیدی داشته باشد که به گوش مخاطب امروز نو و جذاب جلوه کند. فکر می‌کنم داشتن مخاطبان متفاوت که اتفاق خوبی هم برای آلبوم محسوب می‌شود، ناشی از همین فکری باشد که ما در روند خلق آلبوم داشتیم. خوشبختانه ذهنیت من و آقای سعادت‌مند بسیار به هم نزدیک و شبیه است و به همین دلیل هم توانستیم کار خوبی ارائه دهیم.

🎤 به خاطر دارم در گفت‌وگویی که چند سال پیش داشتیم، به دنبال پیدا کردن فرم و روایتی در موسیقی ایرانی بودید که بتواند مخاطبان فاصله گرفته یا قهر کرده با آواز ایرانی را بازگرداند. خوشحالم که می‌بینم مسیر فکری‌تان را ادامه داده و این آلبوم را با همراهی يك تیم خوب ارائه کرده‌اید. گفتید از يك طرف حساس بودید که در مسیر موسیقی سنتی و ردیف دستگاهی پیش بروید و از طرف دیگر هم به مخاطب نیاز مخاطب امروز توجه کنید. کمی درباره شکل‌گیری این نگاه‌تان توضیح دهید.

وقتی بحث موسیقی سنتی مطرح می‌شود برداشت‌های متفاوتی از خود این عبارت هم مطرح می‌شود. من خودم را خیلی ملزم نمی‌دانم که بخواهم صرفاً موسیقی سنتی ارائه کنم. از نظر من مفهوم هنر بر سنت مقدم است، هیچ جای دنیا هم ارائه مو به مو و کامل چیزی که از پیشینیان به جا مانده را چندان

شامل مقوله هنر نمی‌دانند، حتی اگر با بهترین کیفیت ارائه شود.

🎤 پس از نظر شما هنرمند موسیقی ایرانی قرار نیست اجرakنده كامل سنت‌های موسیقی باشد؟

ببینید ما در کار هنری با مفهوم هنرمند روبه‌رویم نه سنت‌مند! نمی‌شود هنرمند بخواهد پا بگذارد جای پای هنرمندی که در دوره قاجار یا پهلوی زندگی کرده و بخواهد زیست و هنرش را کاملاً به شیوه او پیش ببرد. ما در مواجهه با موسیقی اصیل ایرانی چاره‌ای نداریم جز این‌که این هنر را به خوبی درك کنیم و یاد بگیریم و سپس ذوقمان را به کار گرفته و ملودی‌ها، نغمه‌ها و گوشه‌ها را طوری به مخاطب‌یمان ارائه دهیم که آن را به عنوان يك اثر امروزی بپذیرد.

ما در موسیقی دو نگرش داشته‌ایم از قدیم، یکی نگرشی که می‌گوید باید تمام موسیقی گذشته را حفظ کنیم و مسیرش را ادامه دهیم، من به معتقدان این نگرش می‌گویم پیروان مکتب حفظ و اشاعه. نگرش دیگری هم هست که دربردارنده موزیسین‌هایی است که می‌گویند موسیقی اصیل ایرانی محور بوده اما نغمه‌ها و شعرها جدید باشند، یعنی لزوماً نباید شعر عارف و شیدا یا حافظ و سعدی خواند، می‌توان سراغ شاعران معاصر رفت، بر اساس ردیف نغمه‌های جدیدی خلق کرد و مسیری را مشابه آنچه هنرمندان موسیقی گل‌ها طی کرده‌اند، پیمود.

دهه چهارم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را پشت‌سر گذاشته و می‌بینیم که دو تجربه متفاوت را در عرصه موسیقی پشت سر گذاشته‌ایم. یکی تجربه چهار دهه گذشته که مبتنی بر دیدگاه حفظ و اشاعه بوده و چهار دهه قبل آن که دوره فعالیت هنرمندان

موسیقی گل‌هاست. در واقع چهار دهه از توقف جدی هنرمندان موسیقی گل‌ها می‌گذرد و چهار دهه هم از پروبال دادن به جریان حفظ و اشاعه. اگر این دو دوره زمانی را با هم مقایسه کنیم در آثار گل‌ها و هنرمندانی نظیر پرویز یاحقی، حبیب‌ا... بدیعی و ... تجربه اجتماعی شدن موسیقی موفق‌تر بوده است. حتی گاه می‌بینیم مخاطب موسیقی اصیل ایرانی هم در خلوت خود موسیقی گل‌ها می‌شود و دوستش دارد.

🎤 یعنی شما فکر می‌کنید موسیقی که به جامعه ارائه می‌شود باید مشابه آنچه که در هنرمندان موسیقی گل‌ها شکل گرفته، باشد؟

ببینید من هم بر این باور هستم موسیقی باید به جامعه ارائه شود که برگرفته از سنت‌ها و ولی جدید باشد. همان تجربه‌ای که می‌بینیم در کشورهای اطراف، ترك‌ها و عرب‌ها انجامش داده‌اند. در موسیقی معاصر ترکیه یا عرب‌ها می‌بینیم نغمه‌ها، همان نغمه‌های اصیل گذشتگان‌شان است که تنظیم تازه‌ای دارند.

🎤 موسیقی گل‌ها در میان موزیسین‌های چهار دهه دوم مخالف زیاد دارد و خیلی‌ها آن را موسیقی پاپ دانسته‌اند.

بله، موسیقی گل‌ها هم در زمان خودش يك نوع موسیقی پاپ محسوب می‌شود. حتی کسانی که در قدیم ردیف‌نواز صرف بودند یا دیدگاه‌شان مبتنی بر مکتب حفظ و اشاعه بوده موزیسین‌های گل‌ها یا مثلاً کسانی مثل فرهنگ شریف را ردیف‌نواز ندانسته و از آنها با عناوینی چون شیرین‌نواز خطاب می‌کرده‌اند. در واقع سعی می‌شده با ظرافت‌های خاصی این دسته از موزیسین‌ها را تحقیر کرده و کارشان را غیر هنری

همراهی گروه «سور» به سرپرستی مجید مولانیا تازه‌ترین کنسرت خود را روزهای پنجشنبه ۳۰ آبان و جمعه اول آذر به یاد خواننده شهیر کشور افغانستان برگزار می‌کند. در این کنسرت که ساعت ۱۷ روزهای یادشده به آهنگسازی و تنظیم مجید مولانیا به همت مرکز همایش‌های برج میلاد تهران با قیمت بلیت ۷۰

خرده روایت‌های معتمدی از يك همکاری جذاب گروهی

محمد معتمدی نکات جالب و کوتاهی درباره تیم کاری سه نفره شان یعنی معتمدی، سعادت‌مند و سیراز در تولید آلبوم حالا که می‌روی بیان می‌کند که در ادامه آنها را از نظر می‌گذرانیم:

🎤 مثل خاك كوير

همکاری با فرید سعادت‌مند آهنگساز آلبوم «حالا که می‌روی» اتفاق بسیار خوبی بود، سعادت‌مند بی نهایت زلال است و مثل خاك كوير گرم و خوش حس.

🎤 سیراز و گردانندگی اولین ویتترین

شعر اولین ویتترین مواجهه مردم با يك اثر موسیقایی است، بخصوص عامه مردم. سیراز را به لحاظ کار شعر و شاعری يك هنرمند می‌دانم، چون برای شعرش هم ایده دارد، هم حس و هم ساختمان کاملاً محکم و درستی را برای آن انتخاب می‌کند.

🎤 رفیقیم

خیلی‌ها می‌پرسند قرار است همکاری‌های دیگری هم داشته باشیم یا نه. فعلاً برنامه خاصی نداریم و تمرکزمان روی اجرای کنسرت است اما رابطه رفاقت داریم و یکی دو قطعه متفرقه با هم کار کرده‌ایم. فعلاً به خودمان زمان داده‌ایم و امیدوارم با هم همکاری خوبی داشته باشیم.



بدانند. ولی واقعیت این است که اگر امروز بخواهیم موسیقی سنتی در جامعه حیات داشته باشد باید خط فکری هنرمندان دوره گل‌ها را ادامه‌اش بدهیم، حتی آن را تکرار نکرده و از آن عبور کنیم.

🎤 به نظر شما «حالا که می‌روی» همین کار را انجام داده است؟

دقیقا. کاری که آقای سعادت‌مند در این آلبوم انجام داده ثمره منطقی و طبیعی سیر فعالیت هنرمندی است که هنر دوره گل‌ها را دوست داشته و به آن اعتقاد دارد. مثلاً قطعه «باور نمی‌کنی» در این آلبوم ابو عطاس‌ت. یا قطعات دیگری داریم که نوا و دشتی است، اما داعی‌گر «موسم گل» و آواز ادیب خوانساری نیستند. شاید به همین دلیل است که مخاطب آلبوم بدون این‌که علتش را بداند در آن هم اصالت را حس می‌کند و هم نوبودن را.

🎤 برویم سراغ هنرمندان ۴۰ سال اخیر، یعنی پیروان مکتب حفظ و اشاعه، آنها چقدر در دور شدن مردم از موسیقی ایرانی نقش داشته‌اند؟

آرزوی سلامتی می‌کنم برای استاد شجریان و توجه شما را جلب می‌کنم به این نکته که حتی شخصی مثل خود محمدرضا شجریان اگر مساله سن و بیماری‌شان نبود و همچنان مشغول کار هنری بودند، مسیر دیگری را طی می‌کردند. در آخرین فعالیت‌هایی که استاد شجریان داشتند تقریباً تغییر مسیر و دیدگاه ایشان را می‌توان دید.

🎤 مثلاً چه کارهایی؟

در کارهایی که با برادران پورناظری یا حتی با مجید درخشانی ارائه کردند. مواردی که می‌گویم کاملاً مشهود بود. همین حالا کارها را دوباره بشنویم می‌بینیم بسیار متفاوت است از کارهایی که با محمدرضا لطفی و فرامرز پایور داشتند و میل به رهاشدن از فرم‌های قدیمی در آن دیده می‌شود.

🎤 متکی بودن به فرم‌های ثابت و صد در صدی موسیقی ردیف دستگاهی هیچ وقت نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه امروز باشد. هنرمند باید موسیقی ردیف دستگاهی را خوب بیاموزد و با اجتهاد شخصی خودش ملودی‌های امروزی خلق کند. مادر آستانه سال ۱۴۰۰ هستیم و باید نیازهای زمانه‌مان را بشناسیم.

به نکته مهمی اشاره کردید. این سال‌ها کم موسیقی عجیب و غریب يك بار مصرف نداشته‌ایم که می‌خواستند مسیر نوایی در موسیقی ایرانی خلق کنند، و جالب این است که بسیاری از این افراد دانش‌آموخته موسیقی ردیف دستگاهی بودند و خواستند با حفظش کارهای جدید انجام دهند، همان‌طور هم که گفتید سر از کارهای عجیب و غریب درآوردند. به شیوه‌های نوازندگی بی‌حس و حال رسیدند و خیلی‌ایشان هم از موسیقی آمریکای جنوبی و هند

و آفریقا سر درآوردند. اینها منطق موسیقی ایرانی را در خود ندارند، اما می‌بینیم که موسیقی گل‌ها در خود منطق موسیقی ایرانی را دارد.

🎤 مثلاً آلبوم موسیقی «با من صما» کار همایون شجریان و سهراب پورناظری را یکی از این کارها می‌دانید؟ اتفاقاً آن آلبوم تجربه خوبی بود اما در مسیر طبیعی و منطقی رشد و اجتماعی شدن موسیقی ایرانی نبود، تجربه‌ای بود متفاوت.

🎤 اجازه بدهید کمی درباره فعالیت‌های هنری شما طی چند سال اخیر هم صحبت کنیم. شما نسبت به خواننده‌های هم‌نسل خود همایون شجریان، علیرضا قربانی و سالار عقیلی کم‌کارتر بودید، حتی برخی بزرگواران آلبوم‌هایی داشتند که بعد شنیدن با خودمان می‌گفتیم کاش منتشر نشده بود! اما شما مسیر نسبتاً مطمئن‌تری را طی کردید. این اتفاقات ناشی از تجربه بود یا در مسیر مراقبت‌های خاصی که برای خودتان تعریف کرده‌اید، پیش می‌روی؟

دوستانی که نام بردید به لحاظ تشکیلاتی از من جدا هستند. می‌توانم بگویم همه این افراد که عزیزان و دوستان من هستند به نوعی وابسته به تشکیلات ایران کنسرت هستند و من در آن حلقه قرار نمی‌گیرم. به خاطر همین هم مجبورم با توجه به شرایط خاص خودم که تقریباً چیزی شبیه شرایط تحریمی است، پیش بروم. تشکیلاتی که از آن حرف می‌زنم، بخش حداکثر قریب به اتفاق امکانات مربوط به موسیقی را در اختیار دارد و من مجبورم در جزیره‌ای برای خودم زندگی کرده و همه نیازهایم را تأمین کنم.

🎤 پس را ببینسون کروژوله موسیقی شده‌اید.

در سال‌های اخیر برای این‌که از این شرایط تحریمی گذر کنم شاعری و آهنگسازی کردم، استودیو زدم، شرکت نشر راه‌اندازی کردم و همچنین سایت فروش بلیت کنسرت، همه این کارها را کردم تا به خودکفایی برسم و از آن تشکیلات مسلط بر موسیقی تاحدودی بی‌نیاز باشم.

🎤 تلاش هم نکردید. وارد این تشکیلات شوید؟

بحث تلاش نیست، این‌که چه شده ما جا ماندیم، سابقه تاریخی داشته و تقریباً شاید به زمان شروع کار این تشکیلات برگردد.

🎤 یعنی چه زمانی؟

يك سال بعد از اولین پیروزی آقای خاتمی در وزارت ارشاد که تشکیلات مربوطه شکل گرفت و برایش برنامه ریزی شد، حتی ستاره‌ها، آدم‌ها و مدیرهایش هم انتخاب شدند. فکر می‌کنم در طول مسیر این قطار بنا نبود آدم تازه‌ای به عنوان خواننده جی‌دی موسیقی سنتی وارد این سیستم شود. گاهی احساس می‌کنم مشکل از آن قطار نبوده، مشکل از ما بوده که بی‌موقع در این موسیقی ظاهر شدیم و بعدش هم که خیلی سمج بودیم و حذف نشدیم. 🎤